



## ارائه مدل مدیریت سود فرصت طلبانه: عوامل، انگیزه‌ها و تکنیک‌ها

احسان سعادت<sup>۱</sup>  
شهره یزدانی<sup>۲\*</sup>  
محمدحامد خانمحمدی<sup>۳</sup>  
داود گرجی زاده<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

### چکیده

پژوهش حاضر بر ارائه مدل مدیریت سود فرصت طلبانه: عوامل، انگیزه‌ها و تکنیک‌ها استوار شده است. جنس پژوهش حاضر از نوع ترکیبی (کیفی و کمی) و به روش دلفی صورت گرفته است. در ابتدا، پژوهشگران به دنبال توصیف، فهم و درک یک الگوی رفتاری خاص می‌باشند. به همین منظور در گام ابتدایی داده‌های پژوهش حاضر از نوع متنی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز به صورت مصاحبه، مشاهده و با مراجعه به اسناد و مدارک کتابخانه‌ای انجام و در گام بعدی، برای سنجش بار عاملی هر کدام از مؤلفه‌ها، آن‌ها به عدد تبدیل شدند. ضمناً به دلیل کشف مؤلفه‌های جدید در قلمروی موضوعی حاضر، هیچ‌گونه فرضیه‌ای وجود ندارد. وجود ۶۲ عامل مؤثر پس از چهارمین دور دلفی میان مدیران غیرمالکیتی با مالکان باعث انجام مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه دیده شد. از طرفی، برای بهره‌برداری از چنین عواملی باید ابزار و تکنیک‌هایی وجود داشته باشد که پس از سومین دور دلفی تعداد ۸ تکنیک از نوع فرصت طلبانه مورد تأیید قرار گرفت. به علاوه، در سومین دور دلفی به وجود ۲۱ گویه مربوط به علاقه‌مندی مدیران به دست‌کاری ارقام تعهدی از نوع اختیاری اشاره شد. همچنین وجود تعداد ۹ انگیزه اصلی در مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه که در سومین دور دلفی مورد توافق قرار گرفت. در پژوهش حاضر توجه به علت رخداد مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در کشور ایران است. در پژوهش‌های انجام‌شده توسط پژوهشگران توجه اصلی به مدل‌های مدیریت سود بوده است. در حالی که، تمرکز پژوهش حاضر بر اجماع نظر جمعی از جامعه آماری خبرگان حوزه مالی بوده است. علاوه بر این، برای تحلیل مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه، تجربیات افراد خبره در حوزه اجرایی جایگزین فرمول‌های ریاضی و اعداد صورت‌های مالی حسابرسی قرار گرفت تا به صورت عمیق‌تر این موضوع علت و وارونه‌شدن ارقام تعهدی اختیاری مورد بررسی قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** ارقام تعهدی اختیاری، تئوری‌های اثباتی حسابداری، تئوری نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی، مدیریت سود فرصت طلبانه.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حسابداری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [Ehsan\\_Saadati\\_1990@yahoo.com](mailto:Ehsan_Saadati_1990@yahoo.com)  
<sup>۲</sup> استادیار گروه حسابداری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). [yazdani\\_82@damavandiau.ac.ir](mailto:yazdani_82@damavandiau.ac.ir)  
<sup>۳</sup> دانشیار گروه حسابداری، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [Dr.khanmohammadi@yahoo.com](mailto:Dr.khanmohammadi@yahoo.com)  
<sup>۴</sup> استادیار گروه حسابداری، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [davoud.gorjizadeh@gmail.com](mailto:davoud.gorjizadeh@gmail.com)

## ۱- مقدمه

تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران نیز تأثیر بسزایی دارد و نشان‌دهنده حاکمیت شرکتی ضعیف است (کپور و گوئل<sup>۸</sup>، ۲۰۱۹). ادبیات موجود در پژوهش‌های تجربی حسابداری نشان می‌دهند متخصصان حسابداری و افراد دارای سوابق اجرایی در حسابداری به استدلال‌های اخلاقی و رشد آن تمایل کمتری دارند (هو و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷). اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان شاخصی برای مدیریت سود تلقی می‌شود. به لحاظ تجربی، سوابق کاری مدیران باتجربه می‌تواند بر سرمایه‌گذاری و سیاست‌های تأمین مالی شرکت‌ها تأثیر بسزایی بگذارد. به دلیل وجود عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع میان افرادی که دارای اطلاعات محرمانه‌ای از شرکت هستند (مانند مدیران) با سایر ذی‌نفعان که با شرکت سروکار دارند، انگیزه رفتار فرصت‌طلبانه را در وجود مدیران ایجاد و آن‌ها با استفاده از وارونه‌سازی اقلام تعهدی اختیاری شروع به بد (خوب) جلوه‌دادن ظاهری اطلاعات مالی می‌نمایند. روداوارنی و بودیانته<sup>۱۰</sup> (۲۰۲۲) معتقدند شرکت‌های بزرگ تمایل بیشتری به پیاده‌سازی مدیریت سود را دارند. مدیریت سود فرصت‌طلبانه‌ای که توسط مدیران شرکت‌ها صورت می‌گیرد به‌مرور زمان به‌عنوان اصلی‌ترین مانع در عدم تمایل سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری و عدم رشد اقتصادی کشور تلقی می‌شوند. به‌علاوه، چنین استراتژی‌هایی نیز بر ارزش شرکت تأثیر بسزایی خواهد گذاشت. از طرفی دیگر، مدیریت سود (از نوع فرصت‌طلبانه) ابزاری جهت دست‌کاری منافع (سود) افراد درون‌سازمانی بر علیه منافع افراد برون‌سازمانی است. ابزارهایی که جهت مدیریت استفاده می‌گردد باعث کاهش کیفیت گزارش‌های مالی و کیفیت حسابرسی می‌شوند. مدیران شرکت‌ها انگیزه مشترکی دارند تا در شرایط با عملکرد ضعیف با استفاده از ایجاد یک گزارش مالی باکیفیت به جذب سرمایه‌گذاران بالقوه بپردازند. در این خصوص، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری نیز به این امر واقف هستند که به دلیل وجود انگیزه‌های مدیران در جهت جذب سرمایه‌گذاران تنها پدیدارشدن مجموعه‌ای از استانداردها جهت محدود نمودن وارونه‌سازی اطلاعات مالی که به‌واسطه مدیریت سود رخ می‌دهد، کافی نیست.

در تئوری‌های اثباتی حسابداری به شرح گسترده‌ای از مدیریت سود و مسائل مربوط به قراردادهای شرکت که یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های دست‌کاری سود توسط مدیران می‌باشد، پرداخته شده است. تئوری نمایندگی نیز اقدام به آشکارسازی نیت مدیران فرصت‌طلب و توضیح رفتارهایی که اصولاً هنگامی بااهمیت است که شرکت‌ها دچار مشکلات مالی می‌شود، نمود (لسوآ و کاجاروا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸). شرکت‌های مدرن درست است که به سهامداران تعلق دارند، اما کنترل آن‌ها توسط مدیران صورت می‌پذیرد (سلیمان و یحیی<sup>۶</sup>، ۲۰۲۳). هنگامی که شرکت دچار مشکلات مالی می‌شود، مدیران جهت رسیدن به خواسته‌های خود اقدام به دست‌کاری صورت‌های مالی می‌کنند. این اعمال از جمله خطرهای اخلاقی که مدیران دچار آن هستند، می‌باشد (گارفیتا و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۲۳). باتوجه‌به این که مدیریت سود به دو طریق دست‌کاری در اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی صورت می‌گردد. اما، نگاه اصلی پژوهش حاضر بر مدیریت سود از نوع فرصت‌طلبانه مبتنی بر دست‌کاری اقلام تعهدی اختیاری است. زیرا، اقدامات مدیران در رسیدن به اهداف خاصی از سود به طریق دست‌کاری اقلام تعهدی در مقایسه با دست‌کاری فعالیت‌های واقعی بسیار متفاوت است. پژوهش‌های صورت‌گرفته در مرزهای داخلی کشور ایران هیچ‌کدام به عوامل مؤثر در وارونه‌سازی اقلام تعهدی اختیاری که باعث کاهش کیفیت صورت‌های مالی می‌شوند، توجه ننموده‌اند. هدف پژوهش حاضر، جبران این خلأ با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی است تا از این طریق مشخص گردد عوامل فرصت‌طلبانه مدیریت سود، تکنیک‌های بهره‌وری آن، علت انتخاب دست‌کاری اقلام تعهدی اختیاری و انگیزه‌های مربوط به آن چیست؟ نتایج چنین اکتشافاتی از مشکلاتی که باعث گمراهی سرمایه‌گذاران بالقوه می‌شود، جلوگیری می‌کند. مدیریت مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری، به مدیران اجازه می‌دهد که آن‌ها در هنگام ارزیابی گزارش‌های مالی جهت رسیدن به سود، این اقلام را تعدیل نمایند (گارفیتا و همکاران، ۲۰۲۳). فقدان گزارش مالی باکیفیت که بیشتر جنبه منفعت شخصی دارد و توسط مدیران صورت می‌گیرد و بر

<sup>8</sup> Kapoor & Goel<sup>9</sup> Hu et al.<sup>10</sup> Rudiawarni & Budianto.<sup>5</sup> Lisboa & Kacharava<sup>6</sup> Suleiman & Yahaya<sup>7</sup> Garfatta et al.

جهت جذب سرمایه‌گذاران بالقوه و ارائه یک گزارش مالی باکیفیت، کاهش مدیریت سودی که توسط مدیران رخ می‌دهد، امری ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد. از نوآوری‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از رویکرد تحلیل عاملی در ارائه مدل مدیریت سود فرصت طلبانه: عوامل، انگیزه‌ها و تکنیک‌ها اشاره نمود. این پژوهش یک نتیجه کاملاً شفاف و روشنی از علت وارونگی اقلام تعهدی اختیاری باتوجه به شرایط اقتصادی کشور ایران که صرفاً جهت گمراهی و جلب نظر سرمایه‌گذاران بالقوه جهت سرمایه‌گذاری توسط مدیران در شرکت‌های ایرانی می‌شود، ارائه می‌دهد؛ بنابراین پرسش و هدف اصلی این پژوهش، ارائه مدل مدیریت سود فرصت طلبانه: عوامل، انگیزه‌ها و تکنیک‌ها با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی می‌باشد که با دستیابی به پاسخ آن و چنین هدفی می‌توان اقدامات پیشگیرانه بهتر و اثربخش‌تری برای مواردی که در شرکت‌ها باعث می‌شود تا مدیران دست به اقدامات غیراخلاقی بزنند، اتخاذ نمود.

نا مطلوبی می‌گذارد. به همین جهت، افراد دارای منابع اقتصادی و نمایندگان سعی می‌کنند تا منطقی عمل کنند. آن‌ها در ابتدا با ایجاد یک قرارداد در تلاش هستند تا مشکلات نابرابری اطلاعاتی و نظارتی بین مالکان و نمایندگان را تا حد زیادی کاهش دهند. به عبارت ساده‌تر، دامانیک و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۲۳) به نابرابری اطلاعاتی یعنی به تحت اختیار داشتن اطلاعات محرمانه برخی سهامداران عمده خاص نسبت به سایر افراد دیگر اشاره می‌کنند. این مشکل (نابرابری اطلاعاتی) هنگامی رخ می‌دهد که یک نفر یا گروهی خاص در بازار سرمایه اطلاعات بیشتری به نسبت سایرین در اختیار داشته باشد (فأهلوی و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۲۰۲۲). چنانچه اگر مالکان و نمایندگان به دنبال مطلوبیت حداکثری خود باشند، مسلماً هزینه این رابطه کاهش (صفر) نخواهد یافت. در این صورت تصمیماتی که نمایندگان از طرف مالکان اتخاذ می‌کنند، مطلوب به نظر نمی‌رسد. پژوهشگران عقیده دارند کاهش مشکلات نمایندگی همراه با هزینه‌های نظارت و هزینه‌های تضمین است (اسماعیل و

به‌طور کلی، تمرکز بر افزایش (کاهش) اقلام تعهدی اختیاری منجر به افزایش ارائه نادرست اطلاعات مالی می‌گردد (سیمینی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۴). بالاسوبرامانیان و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۳) در یک پژوهش در مورد مدیریت سود افزایشی در بانک‌های تجاری عضو اتحادیه اروپا افزایش نشان دادند افزایش مدیریت سود در این بانک‌ها صرفاً جهت دست‌کاری ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و سرمایه انجام می‌گرفت. از طرفی دیگر، برخی پژوهشگران نیز عقیده دارند کاهش در روش‌های کاهنده نوسانات سود منجر به افزایش کیفیت اقلام تعهدی خواهد شد (لئوز و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۳). اصولاً، تأمین مالی خارجی و مشکلات نقدینگی به‌عنوان محرکی جهت افزایشی نشان دادن کیفیت گزارشگری مالی به‌منظور جذب سرمایه‌گذار بالقوه توسط مدیران است (کسیندس و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۳). شرکت‌های اروپایی بزرگ جهت افزایشی (کاهش) نشان دادن سود با استفاده از وارونه‌سازی اقلام تعهدی اختیاری کیفیت گزارش‌های مالی را تحت‌الشعاع قرار می‌دادند. سیمینی (۲۰۱۴) معتقد است،

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از منظر پژوهشگران اقتصادی، توسعه روابط نمایندگی محدود به عقلانیت افراد، منافع شخصی و ریسک‌گریزی باز می‌گردد (هادیاتی فیتری و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۹). نظریه نمایندگی یک ابزار مدیریتی برای مدیران در جهت تشخیص، تفکیک پرتفوی روابط خود، ادراک و تعدیل رفتارهای نامطمئن است. به‌طور کلی، مالکان و نمایندگان به دنبال رسیدن به حداکثری منافع خود هستند (بیل پارتیکا<sup>۱۶</sup>، ۲۰۲۱). بر اساس این نظریه، شرکت‌ها از یک سیستم درون‌پیوندی قرارداد، میان افراد دارای منابع اقتصادی (مالکان) و مدیران (نماینده) شکل گرفته که در این سیستم اختیار استفاده و کنترل منابع به عهده نماینده واگذار می‌شود. این نظریه بر این استوار است که نماینده به دلیل در اختیار داشتن و کنترل منابع به‌مرور زمان اطلاعات بیشتری نسبت به صاحبان منابع (مالکان) به دست آورده و در نتیجه نابرابری اطلاعاتی ایجاد می‌گردد. عدم تقارن اطلاعاتی بر توانایی مالکان جهت نظارت بر کار مدیران برای آگاهی از این که آیا منابع در اختیار گرفته شده توسط مدیران به درستی مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر؟ اثر

<sup>15</sup> Hadiati Fitri et al.

<sup>16</sup> Beal Partyka

<sup>17</sup> Damanik et al.

<sup>18</sup> Fahlevi et al.

<sup>11</sup> Cimini

<sup>12</sup> Balasubramanyan et al.

<sup>13</sup> Leuz et al.

<sup>14</sup> Kousenidis et al.

جهت گزارش معاملات و عملیات انجام گرفته در شرکت‌ها می‌توانند راه‌های گوناگونی انتخاب نمایند. وجود انتخاب‌های آزادانه به مدیران اجازه می‌دهد تا آن‌ها بتوانند باتوجه به شرایط اقتصادی موجود یک گزارش دلخواه را به تصویر بکشند. البته نباید فراموش نمود که این انتخاب‌ها در هر زمان و شرایط خاصی بر سود حسابداری اثر می‌گذارد. در واقع، هدف از این انتخاب هوشمندانه (از منظر مدیران) رساندن میزان سود به سطح مطلوب از منظر برخی سهامداران خاص است (گوئل<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۴). به‌طور کلی، مدیریت سود استراتژی است که با دست‌کاری عمدی مدیران شروع و هدف از آن مطابقت دادن ارقام واقعی شرکت با اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد. مدیران به این امر واقف هستند که تشخیص دست‌کاری اطلاعات مالی که در صورت‌های مالی درج می‌شود و در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد، بسیار سخت و دشوار است. به همین جهت، مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در جهت اثر تأثیرپذیری اعداد حسابداری که ماحصل آن سود و زیان است، استفاده می‌کنند تا از این طریق بتوانند ساختار معاملات را تغییر، برخی ذی‌نفعان را گمراه و در نتیجه، عملکرد اقتصادی واحد تجاری را مطابق میل خود گزارش نمایند. ارقام تعهدی اختیاری اغلب اولین گزینه‌ای است که توسط مدیران در هنگام دست‌کاری سود مورد استفاده قرار می‌دهند. مارکوات و ویدمن<sup>۲۴</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای بیان نمودند تمرکز بر روی دست‌کاری ارقام تعهدی به ویژه از نوع اختیاری در مواردی خاص مانند عرضه سهام، خرید سهام شرکت توسط خود مدیران و افزایشی (کاهش) شدن سود، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از روش‌های دست‌کاری ارقام تعهدی اختیاری که مدیران آن را انجام می‌دهند این است که آن‌ها درآمدی که فقط تحقق یافته ولی وجهی از بابت آن دریافت نشده را در دفاتر ثبت می‌کنند. این عمل منجر به افزایش میزان سود دوره جاری می‌شود. همین امر منجر به مدیریت سود در سال جاری و در نهایت باعث وارونه‌شدن ارقام تعهدی اختیاری در سال‌های آتی می‌گردد. میزان ارقام تعهدی اختیاری اصولاً از طریق قضاوت‌های ذهنی مدیران مشخص می‌شود که این عمل برآوردی باعث ایجاد مسیری جهت انجام اعمال

کلا<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۸). کیفیت اطلاعات حسابداری به‌عنوان یک بخش بسیار مهم از نظر سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان به شمار می‌رود. زیرا چنین اطلاعاتی باعث راهنمایی آن‌ها در هنگام تصمیم‌گیری می‌شود. ماهیت حسابداری نیز به ارائه اطلاعات باکیفیت و جامع به ذی‌نفعان تأکید فراوان دارد. درحالی‌که، امروزه بیشتر ذی‌نفعان شرکت‌ها نگرانی بسیار زیادی از کیفیت اطلاعات دریافتی از گزارش‌های حسابداری و حساب‌هایی که در صورت‌های مالی درج می‌شود، دارند. حتی پژوهشگران در پژوهش‌های خود نشان دادند شواهد تجربی کمی از نقش حساب‌برسان در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی دیده می‌شود (سلیمان و یحیی، ۲۰۲۳). به دلیل جدایی مدیریت از مالکیت و عدم تقارن اطلاعاتی، عوامل تعیین‌کننده و موانع افشای اطلاعات داخلی در شرکت افزایش می‌یابد. به همین دلیل، مدیران نسبت به افراد برون‌سازمانی اطلاعات بیشتری به دست می‌آورند که این عمل بر کارایی و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران اثر منفی بسیار زیادی می‌گذارد. این اطلاعات محرمانه به سهامداران خاص از دو طریق پیش‌بینی و ارسال از طریق کانال‌های غیررسمی صورت می‌گیرد (آشاده و همکاران<sup>۲۰</sup>، ۲۰۲۳). برخی عقیده دارند عوامل متعددی منجر به عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. این عوامل به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود. نوع اول، مربوط به عوامل داخلی (مانند قصد مدیران جهت افزایش منافع از طریق دریافت پاداش و سرمایه‌گذاری جهت رسیدن به بازدهی بیشتر هنگام سرمایه‌گذاری) باز می‌گردد. نوع دوم مربوط به عوامل برون‌سازمانی (مانند عدم کفایت قوانین و مقررات و همچنین عدم رعایت ضوابط رفتار حرفه‌ای توسط حسابداران) است (سابه‌آ<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۶). تئوری اثباتی حسابداری بیانگر شرحی از انگیزه رفتار مدیران را در مورد مسائل مربوط به اندازه‌گیری‌های مالی و نحوه افشای اطلاعات ارائه می‌دهد. زیرا، مدیران مسئول مستقیم تهیه اطلاعات مالی شرکت هستند. از این رو، تمام اثرات مورد انتظار ناشی از اطلاعات ارائه‌شده واحدهای تجاری بر عهده مدیران است (آشاده و آخواجا<sup>۲۲</sup>، ۲۰۲۲). قدرت اقتصادی و کیفیت سود واحد تجاری بیشتر به میزان سودآوری و موفقیت آن واحد در تأمین سرمایه بستگی دارد. مدیران

<sup>22</sup> Alshehadeh & Al-Khawaja

<sup>23</sup> Goel

<sup>24</sup> Marquardt & Wiedman

<sup>19</sup> Ismael & Roberts

<sup>20</sup> Alshehadeh et al.

<sup>21</sup> Subhia

متضرر شدن سهامداران خرد می‌گردد و از طرفی به پایداری صنعتی شرکت‌ها نیز کمک شایانی می‌کند. به علاوه، آبوفیفا و همکاران<sup>۲۹</sup> (۲۰۲۲) در پژوهش خود بیان کردند که الگوی مدیریت سود تأثیر مستقیم منفی با پرداخت سود سهام دارد. در حالی که این الگو (مدیریت سود) تا حد زیادی به ویژگی هیئت‌مدیره شرکت بستگی دارد. باین‌حال نیز روداوارنی و بودیاننو (۲۰۲۲) نیز اعلام نمودند رفتار فرصت‌طلبانه در مورد سودآوری به طور قابل توجهی بر مدیریت سود ارتباط مستقیم می‌گذارد. در واقع آن‌ها در پژوهش خود اعتقاد دارند هرچه مدیران مدیریت سود بیشتری انجام دهند، میزان دست‌کاری سود بالاتر خواهد بود. سپس ماسوا و نیانگو<sup>۳۰</sup> (۲۰۲۱) در پژوهش خود بیان داشتند ایجاد مکانیزم‌های مقرراتی خاص، تأثیرات مختلفی می‌تواند بر مدیریت سود ایجاد کند. برخی از این مکانیزم‌ها بر مدیریت سود اثر مثبت و برخی دیگر اثر منفی بر انجام مدیریت سود دارند. در ادامه، بازیزا و همکاران<sup>۳۱</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی بیان کردند فعالیت‌گرایی سهامداران بر عملکرد بازار اثری ندارد. در صورتی که این عمل بر عملکرد شرکت تأثیر دارد. آن‌ها در پژوهش خود خاطر نشان کردند مدیریت سود به هر نحوی بر عملکرد بازار تأثیر منفی می‌گذارد. در واقع، مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که عملکرد شرکت زیاد مناسب نمی‌باشد و رفتار مدیران در مدیریت سود نیز بیشتر به سمت فرصت‌طلبانه گرایش دارد. سرانجام لیو و لی<sup>۳۲</sup> (۲۰۱۹) نشان دادند گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند بر کاهش مدیریت سود و اجتناب از پرداخت مالیات بسیار مؤثر واقع گردد.

سعادت و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود نشان دادند میان مدیریت سود فرصت‌طلبانه با ضلع‌های فرصت‌تقلب و توانایی افراد برای تقلب و همچنین میان عدم تقارن اطلاعاتی (مهندسی اجتماعی اطلاعات) با ضلع‌های فرصت‌تقلب، توانایی افراد برای تقلب و فشار جهت انجام تقلب نیز ارتباط معناداری وجود دارد. در ادامه صباغیان طوسی و همکاران (۱۴۰۱) نیز بیان داشتند بین کاربرد اقلام تعهدی اختیاری و تأمین مالی خارجی در شرکت‌های با فرصت سرمایه‌گذاری بالا رابطه مثبت وجود دارد. همچنین بین کاربرد اقلام تعهدی اختیاری و تأمین مالی خارجی در

فرصت‌طلبانه مدیریت سود در کوتاه مدت می‌شود (گوئل، ۲۰۱۴)؛ بنابراین، اولین گام جهت وارونه‌شدن اقلام تعهدی اختیاری به دوره‌های قبل باز می‌گردد که این اعمال بر توانایی مدیران جهت مدیریت سود در محدوده استانداردهای حسابداری در آینده تأثیر بسزایی می‌گذارد. اقلام تعهدی اختیاری که در یک دوره شکل می‌گیرد با دست‌کاری مدیران به مرور زمان یعنی سال  $n$  ام وارونه خواهد شد. به دلیل دفترداری دوبل (دوطرفه) تحت سیستم حسابداری تعهدی، دست‌کاری سود می‌تواند باعث افزایش (کاهش) اقلام مندرج در ترازنامه گردد. زمانی که اقلام تعهدی اختیاری شکل می‌گیرد، با توجه به حسابداری تعهدی این اقلام به دوره‌های آینده منتقل می‌شوند. گرفتار شدن در وارونگی اقلام تعهدی اختیاری در سال‌های آتی به دلیل معکوس نشان دادن سود یا زیان شرکت‌ها در سال جاری است. وارونگی اقلام تعهدی دارای اشکال مختلفی هستند و اجرا نمودن فرمول محاسباتی که بخواهد این پدیده را به طور کامل توصیف نماید، بسیار سخت و حتی غیر قابل بیان است (بابر و همکاران<sup>۲۵</sup>، ۲۰۱۱).

اوسی و کلیبی<sup>۲۶</sup> (۲۰۲۳) در پژوهشی بیان کردند مدیران ارشد اجرایی که دارای تخصص مالی هستند، تمایل کمتری به استفاده از مدیریت سود در جهت کاهش نشان دادن سود شرکت و ارائه گزارش زیان را دارند. مدیران عموماً از مدیریت سود به عنوان یک ابزار برای رسیدن به گزارش مناسبی از سود و بهبود بخشیدن به عملکرد اخیر شرکت استفاده می‌کنند. از طرفی دیسنایکه و همکاران<sup>۲۷</sup> (۲۰۲۳) نیز بیان کردند گاهی شفاف‌سازی شرکت‌ها درباره مسئولیت‌های اجتماعی به عنوان یک استراتژی تدافعی در جهت پنهان‌سازی رفتار مدیران فرصت‌طلب در مدیریت سود صورت می‌گیرد؛ در صورتی که مکانیزم حاکمیت شرکتی می‌تواند به طور قابل توجهی در کاهش رفتارهای پُرخطر مؤثر باشد. همچنین جایاسکارا و همکاران<sup>۲۸</sup> (۲۰۲۲) نیز بیان داشتند قصد نادرست (متقلبانه) سهامداران عمده و هیئت‌مدیره، شرکت‌های دارای عملکرد نامناسب را مجبور به سوءاستفاده از حسابداری ارزش منصفانه در جهت دست‌کاری عملکرد شرکت و سوءاستفاده در جهت منافع شخصی افراد می‌کند. این اعمال باعث

<sup>29</sup> Abu Afifa et al.

<sup>30</sup> Mathuva & Nyangu

<sup>31</sup> Bouaziz et al.

<sup>32</sup> Liu & Lee

<sup>25</sup> Baber et al.

<sup>26</sup> Oussii & Klibi

<sup>27</sup> Dissanayake et al.

<sup>28</sup> Jayasekara et al.

شرکت‌های با فرصت سرمایه‌گذاری پایین نیز رابطه منفی وجود دارد. حسنی و مرادی (۱۳۹۹) نیز اذعان داشتند وجود مقادیر بالاتر انحراف در پیش‌بینی سود مدیران سبب افزایش ریسک ویژه می‌شود. از طرفی، درجه بالاتر عدم تقارن اطلاعاتی نیز زمینه‌ساز افزایش ریسک ویژه خواهد شد. همچنین عدم تقارن اطلاعاتی منجر به تقویت رابطه مثبت بین انحراف در پیش‌بینی سود مدیران و ریسک ویژه شده است. به‌علاوه خانمحمدی فرد و همکاران (۱۴۰۱) نیز معتقد بودند افزایش درجه ابهام اطلاعاتی از منظر نااطمینانی سهامداران در بازار سهام به دلیل افزایش انتشار اطلاعات شرکت‌ها، موجب واگرایی تصمیمات مدیران و سهامداران می‌شود. همچنین تطابق (عدم تطابق) تصمیمات سهامداران و مدیران تحت‌تأثیر ابهام زیاد اطلاعات حسابداری کاهش (افزایش) می‌یابد.

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

استراتژی پژوهش حاضر استوار بر ارائه الگوی مدیریت سود فرصت‌طلبانه: عوامل، انگیزه‌ها و تکنیک‌ها است. روش پژوهش حاضر از نوع ترکیبی (کیفی و کمی) و به روش دلفی صورت گرفته است. در ابتدا، پژوهشگران به دنبال توصیف، فهم و درک یک الگوی رفتاری خاص می‌باشند. به همین منظور، در گام ابتدایی داده‌های پژوهش حاضر از نوع متنی و شیوه گردآوری داده‌ها نیز به‌صورت مصاحبه، مشاهده و با مراجعه به اسناد و مدارک کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در گام بعدی، برای سنجش بار عاملی هر کدام

از مؤلفه‌ها، آن‌ها به عدد تبدیل شدند. در این پژوهش هیچ‌گونه فرضیه‌ای وجود ندارد. به همین علت پژوهشگر به دنبال کشف مؤلفه‌های جدیدی در این حوزه می‌باشد. به‌طورکلی، به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در پژوهش حاضر در گام اول به روش کتابخانه‌ای عمل گردید تا عوامل اثرگذار به‌صورت دقیق از کتب و مقالات برون‌مرزی مشخص گردد. در گام بعد از طراحی پرسش‌نامه اولیه به جهت اطمینان از تأیید شاخص روایی، پرسش‌نامه تدوین‌شده (قبل از شروع مصاحبه‌ها) نزد خبرگان صاحب‌نظر قرار گرفت. پس از انجام اصلاحات گوناگون توسط تمام خبرگان شاخص روایی پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت و پرسش‌نامه نهایی آماده گردید. در گام بعد، پژوهشگر اجازه داشت تا از طریق مصاحبه رسمی به ادامه جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به‌صورت میدانی عمل نماید. برای جمع‌آوری اطلاعات از یک پرسش‌نامه باز و بسته استفاده گردید. از منظر موقعیت مکانی داخل کشور ایران و از منظر بُعد زمانی حدود ۱۶ ماه به طول انجامید. برای جامعه آماری پژوهش حاضر، صرفاً سه گروه از افراد شاغل (اعضای هیئت‌علمی دانشگاه، اعضای هیئت‌مدیره (صرفاً دارای مدرک حسابداری یا سایر حوزه‌های مالی) و مدیران و معاونت‌های مالی و اداری) انتخاب گردید. جهت ایجاد یک گروه خبره به طریق دلفی جمعاً تعداد ۳۳ نفر انتخاب که از میان این تعداد صرفاً ۲۱ نفر از افراد خبرگان تا پایان به اشباع رسیدن با پژوهشگران همکاری داشتند. مشخصات افراد مصاحبه‌شونده به شرح جدول (۱) است.

جدول (۱) جامعه نمونه خبرگان

نسبت	تعداد	شرح	بیوگرافی
۱۰۰٪	۳۳ نفر	منتخبین	جامعه خبرگان
۶۴٪	۲۱ نفر	همکاری‌کنندگان	
۳۸٪	۸ نفر	دکتری تخصصی (Ph.D)	
۲۸٪	۶ نفر	دانشجوی دکتری (Ph.D-Student)	تحصیلات همکاری‌کنندگان
۲۳٪	۵ نفر	کارشناسی ارشد (Master-Degree)	
۹٪	۲ نفر	معادل دکتری (DBA)	
۲۸٪	۶ نفر	اعضای هیئت‌علمی دانشگاه (مدیرگروه)	
۳۳٪	۷ نفر	افراد عضو هیئت‌مدیره	سیمت سازمانی
۱۹٪	۴ نفر	معاونت مالی یا مدیر مالی	
۱۹٪	۴ نفر	مدیر مؤسسه حسابداری	
۷۶٪	۱۶ نفر	بین ۲۰ سال تا ۳۰ سال	میزان سابقه کاری
۲۴٪	۵ نفر	بالاتر از ۳۰ سال	

\*\* تمامی افراد مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات حسابداری، مدیریت مالی یا سایر رشته‌ها با گرایش‌های مالی می‌باشند\*\*

#### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌طور کلی، در روش دلفی، پاسخ‌های مرحله قبل مبنایی برای ایجاد سؤال‌ها در مرحله بعد است. به همین جهت، خبرگان در دور بعد اجازه دارند تا پاسخ‌های مرحله قبل خود را مورد بازبینی قرار دهند و باتوجه به پاسخ سایر مشارکت‌کنندگان، پاسخ‌های مرحله قبل خود را تغییر دهند. چنانچه در هر مرحله، اجماع به دست آید یا اشباع تئوریک حاصل شود، فرآیند دلفی متوقف و در غیر این صورت این فرآیند در دورهای بعدی ادامه خواهد یافت. مرحله اول، کار تحلیل پرسش‌نامه‌ها، تعیین میانگین از جمله روش‌ها برای توصیف وضعیت پاسخ‌ها در این مرحله بود.

همان‌طور که توضیح داده شد، باتوجه به عدم اجماع (اشباع تئوریک) فرآیند دلفی در مورد مدیریت سود از نوع

فرصت طلبانه، در دورهای اول، دوم، سوم انجام و تا مرحله چهارم فرآیند کار دلفی ادامه پیدا نمود. از ضریب کندال برای بررسی میزان توافق نظر خبرگان استفاده گردید که مقادیر آماره  $W$  کندال از صفر (به معنی عدم توافق) تا یک (به معنی توافق کامل) تغییر می‌کند. هر چه مقدار  $W$  به عدد یک نزدیک باشد، نشانگر توافق و هر چه به صفر نزدیک باشد، نمایانگر عدم توافق است. بر اساس مرور مبانی نظری موجود، مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه به شرح جدول (۲) و جدول (۳) استخراج و جهت اعلام نظر در خصوص نحوه دسته‌بندی آن‌ها و شکل‌گیری مؤلفه‌های مدل در اختیار اعضای پانل دلفی قرار گرفتند.

منطبق با جدول (۲) یکسری سؤال‌های اولیه اضافه (۱۶ سؤال) سپس بار عاملی همه سؤال‌ها بررسی و همه آن‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۷ بودند.

جدول (۲) میانگین و بار عاملی عوامل مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در دور دوم دلفی

ردیف	شاخص‌ها	میانگین	بار عاملی
۱	استفاده از قضاوت شخصی در تفسیر استانداردها به دلیل انعطاف‌پذیری بسیار زیاد (وجود استانداردهای مبتنی بر اصول)	۲/۸۴	۰/۵۷۸
۲	مهندسی اجتماعی (نمایش وضعیت مناسب توسط یک انسان نابغه جهت سوءاستفاده از اطمینان افراد برون‌سازمانی) توسط مدیران	۳/۸۱	۰/۸۱۳
۳	نقش نظارتی مدیران در تهیه گزارش‌های مالی	۳/۶۶	۰/۸۸۹
۴	جدایی مالکیت از مدیریت (تفویض اختیار قدرت تصمیم‌گیری)	۳/۷۸	۰/۸۶۵
۵	مالکیت پراکنده	۳/۳۹	۰/۸۳۳
۶	کم منطبق بودن مدیران	۳/۲۱	۰/۹۱۳
۷	ریسک‌گریز بودن مدیران	۳/۱۵	۰/۷۵۷
۸	شرکت‌های تک مالکی (مدیر همان مالک باشد)	۳/۹۰	۰/۷۴۴
۹	سوءاستفاده مخفیانه سهامداران خرد از نظارت سهامداران دیگر (کاهش انگیزه نظارت سهامداران خرد بر مدیران)	۳/۴۲	۰/۷۸۴
۱۰	انجام عمدی کار بااهمیت توسط مدیران با هدف انحراف افراد برون‌سازمانی	۳/۴۸	۰/۸۸۶
۱۱	عملکرد غیر قابل رضایت‌بخش واحد انتفاعی به دلیل مشکلات مالی	۳/۹۰	۰/۷۹۹
۱۲	رسیدن به موفقیت به هر قیمتی به دلیل داشتن روحیه شکست‌ناپذیری مدیران	۳/۸۷	۰/۸۷۹
۱۳	تأثیر محیط اطراف بر تعیین رفتار مدیران (منطقه جغرافیایی شرکت)	۳/۶۳	۰/۸۴۶
۱۴	نگرانی مدیران از عدم استفاده از منابع مالی جامعه در واحد انتفاعی (وام‌گیری)	۳/۴۵	۰/۹۱۴
۱۵	انگیزه‌های خودمحوری مدیران واحد انتفاعی (تمام توجهات را معطوف خود نمودن)	۳/۴۵	۰/۸۷۲
۱۶	میل رسیدن به اعتبار شخصی یا ارتقای شغلی	۳/۶۰	۰/۹۲۸
۱۷	ترس از دست‌دادن موقعیت اجتماعی و سبک زندگی	۳/۹۶	۰/۸۶۱
۱۸	داشتن شخصیت ماکیاویلیستی (ارائه دستورالعمل‌ها از بالا دستان به زیر دستان)	۳/۸۷	۰/۸۳۰
۱۹	تمایل مدیران به ماندن در یک نقطه آسایش اخلاقی	۳/۴۸	۰/۸۴۷
۲۰	عدم سلب اعتماد سهامداران از محیط اقتصادی	۳/۵۱	۰/۸۶۹

۰/۸۷۰	۴/۰۰	رسیدن مدیران به عملکردی بااهمیت در واحد انتفاعی	۲۱
۰/۹۰۸	۳/۵۴	مصونیت مدیران از احساس گناه به دلیل ضعف در اخلاق‌مداری و سستی ایمان	۲۲
۰/۹۲۲	۳/۷۵	مدیران متکبر دارای نگرش برتر (آن‌هایی که تفکر می‌کنند از بقیه بهتر هستند یا ارزشمندتر یا حتی مهم‌تر هستند)	۲۳
۰/۸۶۴	۳/۲۴	عدم ترویج (وجود) فرهنگ اخلاقی در واحد انتفاعی توسط مدیران (میان‌رو بودن و وجود صحبت‌های ضدونقیض که باعث تضعیف فضای اخلاقی در واحد انتفاعی می‌شود)	۲۴
۰/۷۹۶	۳/۷۸	تأمین امنیت اقتصادی سهامداران	۲۵
۰/۷۹۶	۴/۱۵	افزایش شهرت و اعتبار واحد انتفاعی	۲۶
۰/۷۹۱	۳/۷۵	تأثیر عوامل نامشهود (ریسک زیاد محیط کسب‌وکار) بر ادراک مدیران	۲۷
۰/۹۰۱	۴/۰۰	بیان نادرست از ماهیت مادی هر چیز توسط مدیران (تغییر در ساختار معاملات، متقاعد نمودن اعتباردهندگان جهت دریافت اعتبار و جلب اعتماد عمومی جهت جذب سرمایه)	۲۸
۰/۸۱۳	۳/۸۱	چگونگی انجام تجارت با چه کسی (کسانی) در آینده	۲۹
۰/۸۷۴	۳/۹۳	گمراهی ذی‌نفعان توسط مدیران واحد انتفاعی	۳۰
۰/۸۲۳	۳/۹۶	اتخاذ تصمیمات مطلق توسط مدیران در واحد انتفاعی	۳۱
۰/۸۳۷	۳/۸۷	کاهش ارزش واحد انتفاعی بر اثر شرایط اقتصادی	۳۲
۰/۸۴۱	۴/۰۳	میزان تجربه کاری مدیران	۳۳
۰/۸۳۵	۳/۹۳	بهره‌مندی از مشوق‌های اقتصادی	۳۴
۰/۸۷۶	۳/۸۷	وجود قانون‌های مزاحم در چرخه اقتصادی	۳۵
۰/۸۵۱	۳/۸۷	استفاده از قضاوت شخصی در تفسیر استانداردها به دلیل انعطاف‌پذیری بسیار زیاد (وجود استانداردهای مبتنی بر اصول)	۳۶
۰/۸۲۵	۳/۶۹	تعداد واحدهای نظارتی و عدم وحدت رویه آن‌ها در تسهیل شرایط برای فعالان اقتصادی	۳۷
۰/۷۱۵	۳/۵۴	تثبیت اعتبار برای سوق به برندسازی	۳۸
۰/۸۵۲	۴/۰۳	ضعف در نظام نظارتی (حسابرس مستقل، کمیته حسابرسی و...)	۳۹
۰/۸۸۲	۳/۸۴	عدم وجود ثبات اقتصادی، نبود امکان پیش‌بینی و عدم قابلیت اتکا به بازارهای آتی	۴۰
۰/۸۸۱	۳/۴۸	عدم استفاده از حسابرسی مستمر	۴۱
۰/۸۱۹	۴/۲۷	ضعف در فرهنگ پاسخ‌گویی و پاسخ‌دهی در سطح کشور	۴۲
۰/۸۸۷	۴/۰۳	وجود تحریم و عدم ارتباط شرکت‌ها با کشورهای دنیا	۴۳
۰/۸۵۷	۴/۱۸	وعده‌های دروغین جهت تصدی میز مدیریت	۴۴
۰/۸۱۲	۴/۰۳	نبود تفکر سیستمی و غالب‌بودن بخشی‌نگری در سازمان‌های انتفاعی	۴۵
۰/۷۹۲	۴/۱۲	عدم وفاداری مدیران اجاره‌ای به واحد انتفاعی	۴۶
۰/۸۶۸	۴/۰۳	نبود (ضعف) حاکمیت شرکتی	۴۷
۰/۹۳۳	۳/۹۶	تأکید (نقش) استانداردها بر مسئولیت اجتماعی شرکت	۴۸

جدول (۳) تغییرات عوامل پیاده‌سازی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در دور دوم دلفی

مؤلفه‌های حذف شده	مؤلفه‌های اصلاح شده	مؤلفه‌های اضافه شده
استفاده از قضاوت شخصی در تفسیر استانداردها به دلیل انعطاف‌پذیری بسیار زیاد (وجود استانداردهای مبتنی بر اصول)	کاهش ارزش واحد انتفاعی بر اثر شرایط اقتصادی چگونگی انجام تجارت با چه کسی (کسانی) در آینده گمراهی ذی‌نفعان توسط مدیران واحد انتفاعی اتخاذ تصمیمات مطلق توسط مدیران در واحد انتفاعی	میزان تجربه کاری مدیران بهره‌مندی از مشوق‌های اقتصادی وجود قانون‌های مزاحم در چرخه اقتصادی
		استفاده از قضاوت شخصی در تفسیر استانداردها به دلیل انعطاف‌پذیری بسیار زیاد (وجود استانداردهای مبتنی بر اصول)



تعداد واحدهای نظارتی و عدم وحدت رویه آن‌ها در تسهیل شرایط برای فعالان اقتصادی  
 تثبیت اعتبار برای سوق به برندسازی  
 ضعف در نظام نظارتی (حسابرس مستقل، کمیته حسابرسی و...)  
 عدم وجود ثبات اقتصادی، نبود امکان پیش‌بینی و عدم قابلیت اتکا به بازارهای آتی  
 عدم استفاده از حسابرسی مستمر  
 ضعف در فرهنگ پاسخ‌گویی و پاسخ‌دهی در سطح کشور  
 وجود تحریم و عدم ارتباط شرکت‌ها با کشورهای دنیا  
 وعده‌های دروغین جهت تصدی میز مدیریت  
 نبود تفکر سیستمی و غالب بودن بخشی‌نگری در سازمان‌های انتفاعی  
 عدم وفاداری مدیران اجاره‌ای به واحد انتفاعی  
 تأکید (نقش) استانداردها بر مسئولیت اجتماعی شرکت  
 نبود (ضعف) حاکمیت شرکتی

جدول (۳) مربوط به سؤال‌های اصلاح‌شده و اضافه‌شده در دور اول دلفی می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه گردید، یک سؤال (استفاده از قضاوت شخصی در تفسیر استانداردها به دلیل انعطاف‌پذیری بسیار زیاد) حذف، ۴ سؤال اصلاح و ۱۶ سؤال نیز اضافه گردید.

جدول (۴) میانگین و بار عاملی عواملی که باعث پیاده‌سازی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در دور سوم دلفی

ردیف	شاخص‌ها	میانگین	بار عاملی
۱	مهندسی اجتماعی (نمایش وضعیت مناسب توسط یک انسان نابغه جهت سوءاستفاده از اطمینان افراد برون‌سازمانی) توسط مدیران	۳/۸۱	۰/۸۰۴
۲	نقش نظارتی مدیران در تهیه گزارش‌های مالی	۳/۶۶	۰/۸۹۳
۳	جدایی مالکیت از مدیریت (تفویض اختیار قدرت تصمیم‌گیری)	۳/۷۸	۰/۸۷۵
۴	مالکیت پراکنده	۳/۳۹	۰/۸۱۴
۵	کم منطبق بودن مدیران	۳/۲۱	۰/۹۰۹
۶	ریسک‌گریز بودن مدیران	۳/۱۵	۰/۷۷۴
۷	شرکت‌های تک مالکی (مدیر همان مالک باشد)	۳/۹۰	۰/۸۲۵
۸	سوءاستفاده مخفیانه سهامداران خرد از نظارت سهامداران دیگر (کاهش انگیزه نظارت سهامداران خرد بر مدیران)	۳/۴۲	۰/۷۸۴
۹	انجام عمده کار با اهمیت توسط مدیران با هدف انحراف افراد برون‌سازمانی	۳/۴۸	۰/۸۸۲
۱۰	عملکرد غیر قابل رضایت‌بخش واحد انتفاعی به دلیل مشکلات مالی	۳/۹۰	۰/۸۴۵
۱۱	رسیدن به موفقیت به هر قیمتی به دلیل داشتن روحیه شکست‌ناپذیری مدیران	۳/۸۷	۰/۸۵۲
۱۲	تأثیر محیط اطراف بر تعیین رفتار مدیران (منطقه جغرافیایی شرکت)	۳/۶۳	۰/۸۵۴
۱۳	انگیزه‌های خودمحوری مدیران واحد انتفاعی (تمام توجهات را معطوف خود نمودن)	۳/۴۵	۰/۹۲۰
۱۴	میل رسیدن به اعتبار شخصی یا ارتقای شغلی	۳/۴۵	۰/۸۴۹
۱۵	ترس از دست‌دادن موقعیت اجتماعی و سبک زندگی	۳/۶۰	۰/۹۲۵
۱۶	داشتن شخصیت ماکیاویلیستی (ارائه دستورالعمل‌ها از بالا دستان به زیر دستان)	۳/۹۶	۰/۸۹۸
۱۷	تمایل مدیران به ماندن در یک نقطه آسایش اخلاقی	۳/۸۷	۰/۹۱۰
۱۸	عدم سلب اعتماد سهامداران از محیط اقتصادی	۳/۴۸	۰/۸۵۰
۱۹	رسیدن مدیران به عملکردی با اهمیت در واحد انتفاعی	۳/۵۱	۰/۸۵۵
۲۰	مصونیت مدیران از احساس گناه به دلیل ضعف در اخلاق‌مداری و سستی ایمان	۴/۰۰	۰/۸۶۴
۲۱	مدیران متکبر دارای نگرش برتر (آن‌هایی که تفکر می‌کنند از بقیه بهتر هستند یا ارزشمندتر یا حتی مهم‌تر هستند)	۳/۵۴	۰/۹۱۵
۲۲	عدم ترویج (وجود) فرهنگ اخلاقی در واحد انتفاعی توسط مدیران (میان‌رو نبودن و وجود صحبت‌های ضدونقیض که باعث تضعیف فضای اخلاقی در واحد انتفاعی می‌شود)	۳/۷۵	۰/۹۱۲

۰/۹۰۵	۳/۲۴	تأمین امنیت اقتصادی سهامداران	۲۳
۰/۹۱۳	۳/۷۸	افزایش شهرت و اعتبار واحد انتفاعی (تمرکز بر منافع واحد انتفاعی قبل از دستیابی به اهداف مهم عملکرد)	۲۴
۰/۸۱۵	۴/۱۵	تأثیر عوامل نامشهود (ریسک زیاد محیط کسب و کار) بر ادراک مدیران	۲۵
۰/۸۸۴	۳/۷۵	بیان نادرست از ماهیت مادی هر چیز توسط مدیران (تغییر در ساختار معاملات، متقاعد نمودن اعتباردهندگان جهت دریافت اعتبار و جلب اعتماد عمومی جهت جذب سرمایه)	۲۶
۰/۸۰۸	۴/۰۰	چگونگی انجام تجارت در آینده یا تجارت با چه کسی (کسانی) در آینده	۲۷
۰/۸۸۳	۳/۸۱	گمراهی ذی نفعان توسط مدیران واحد انتفاعی	۲۸
۰/۹۴۰	۳/۹۳	اتخاذ تصمیمات مطلق توسط مدیران در واحد انتفاعی	۲۹
۰/۸۴۸	۳/۹۶	کاهش ارزش واحد انتفاعی بر اثر شرایط اقتصادی	۳۰
۰/۸۵۱	۳/۸۷	میزان تجربه کاری مدیران	۳۱
۰/۸۲۷	۴/۰۳	بهره‌مندی از مشوق‌های اقتصادی	۳۲
۰/۸۹۴	۳/۹۳	وجود قانون‌های مزاحم در چرخه اقتصادی	۳۳
۰/۹۱۱	۳/۸۷	استفاده از قضاوت شخصی در تفسیر استانداردها به دلیل انعطاف‌پذیری بسیار زیاد	۳۴
۰/۸۶۴	۳/۸۷	تعداد واحدهای نظارتی و عدم وحدت رویه آن‌ها در تسهیل شرایط برای فعالان اقتصادی	۳۵
۰/۹۲۱	۳/۶۹	تشبیه اعتبار برای سوق به برندسازی	۳۶
۰/۸۵۰	۳/۵۴	ضعف در نظام نظارتی (حسابرس مستقل، کمیته حسابرسی و...)	۳۷
۰/۹۱۳	۴/۰۳	عدم وجود ثبات اقتصادی، نبود امکان پیش‌بینی و عدم قابلیت اتکا به بازارهای آتی	۳۸
۰/۹۰۹	۳/۸۴	عدم استفاده از حسابرسی مستمر	۳۹
۰/۹۰۳	۳/۴۸	ضعف در فرهنگ پاسخ‌گویی و پاسخ‌دهی در سطح کشور	۴۰
۰/۸۷۸	۴/۲۷	وجود تحریم و عدم ارتباط شرکت‌ها با کشورهای دنیا	۴۱
۰/۸۳۲	۴/۰۳	وعده‌های دروغین جهت تصدی میز مدیریت	۴۲
۰/۷۹۳	۴/۱۸	نبود تفکر سیستمی و غالب‌بودن بخشی‌نگری در سازمان‌های انتفاعی	۴۳
۰/۸۵۲	۴/۰۳	عدم وفاداری مدیران اجاره‌ای به واحد انتفاعی	۴۴
۰/۸۸۶	۴/۱۲	نبود (ضعف) حاکمیت شرکتی	۴۵
۰/۹۲۰	۴/۰۳	تأکید (نقش) استانداردها بر مسئولیت اجتماعی شرکت	۴۶
۰/۹۳۳	۳/۹۶	چالش عدم تطابق کامل استانداردهای حسابداری بین‌المللی با استانداردهای موجود در ایران از نظر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی	۴۷
۰/۹۰۸	۳/۹۶	افزایش داری‌های نامشهود (شرکت‌های دانش‌بنیان)	۴۸
۰/۸۹۴	۳/۸۱	میزان مخارج انتقالی به سنوات آتی	۴۹
۰/۸۵۶	۳/۷۵	کسب‌وکارهای جدید با مدل دیجیتالی و پلتفرمی	۵۰
۰/۸۵۶	۳/۹۶	شفاف نبودن قوانین حاکم بر کسب‌وکار واحد انتفاعی	۵۱
۰/۹۰۱	۳/۹۶	تغییرات مداوم سیاست‌گذار اقتصادی	۵۲
۰/۷۷۰	۳/۸۷	توقع غیرمعمول سهامداران از مدیران جهت سودآوری در سریع‌ترین زمان	۵۳
۰/۸۷۶	۴/۲۱	عدم داشتن دانش مالی توسط استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی	۵۴
۰/۸۱۷	۴/۱۲	برای افراد برون‌سازمانی EPS تنها مهم بودن مقدار	۵۵
۰/۹۳۰	۴/۲۴	همسو نبودن شرایط محیط با مدیران	۵۶
۰/۸۹۶	۴/۱۵	عدم وجود یک استاندارد مشخص برای وضعیت رکود یا بحران در کشور	۵۷
۰/۹۱۱	۴/۳۶	رفتارهای گذشته مدیران در واحد انتفاعی	۵۸
۰/۹۲۸	۴/۳۶	ناتوانی مدیران واحد انتفاعی در حفظ منابعی که دارای ماهیت نقدی هستند	۵۹
۰/۸۵۷	۴/۳۳	عدم انطباق سیاست‌های سازمان انتفاعی و سیاست‌های اقتصادی	۶۰
۰/۸۱۳	۴/۲۷	نگرانی هیئت‌مدیره از عدم به‌خطرافتادن تداوم فعالیت واحد انتفاعی	۶۱

منطبق با جدول (۴) در دور دوم دلفی ۴۷ سؤال در اختیار خبرگان قرار گرفت و بعد از بازنگری خبرگان

یکسری سؤال‌ها به سؤال‌های اولیه اضافه شد، بار عاملی همه سؤالات بررسی شد و همه سؤالات دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۷ داشتند.

**جدول (۵) تغییرات عوامل پیاده‌سازی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در دور سوم دلفی**

هیچ مؤلفه‌ای حذف نشد	حذف شده مؤلفه‌های
هیچ مؤلفه‌ای اصلاح نشد	اصلاح شده شاخص‌های
<p>چالش عدم تطابق کامل استانداردهای حسابداری بین‌المللی با استانداردهای موجود در ایران (اعم از ترجمه شده و تجدیدنظرشده) از نظر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی افزایش دارایی‌های نامشهود (شرکت‌های دانش‌بنیان) میزان مخارج انتقالی به سنوات آتی کسب و کارهای جدید با مدل دیجیتالی و پلتفرمی شفاف نبودن قوانین حاکم بر کسب و کار واحد انتفاعی تغییرات مداوم سیاست‌گذار اقتصادی توقع غیرمعمول سهامداران از مدیران جهت سودآوری در سریع‌ترین زمان عدم داشتن دانش مالی توسط استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی تنها مهم بودن مقدار <i>EPS</i> برای افراد برون‌سازمانی همسو نبودن شرایط محیط با مدیران عدم وجود یک استاندارد مشخص برای وضعیت رکود یا بحران در کشور رفتارهای گذشته مدیران در واحد انتفاعی (عاملی جهت افزایشی شدن حجم هزینه‌ها) ناتوانی مدیران واحد انتفاعی در حفظ منابعی که دارای ماهیت نقدی هستند عدم انطباق سیاست‌های سازمان انتفاعی و سیاست‌های اقتصادی (وجود اقتصاد دستوری) نگرانی هیئت‌مدیره از عدم به‌خطرافتادن تداوم فعالیت واحد انتفاعی</p>	

نتایج دور سوم دلفی نشان داد خبرگان هیچ سؤالی را حذف و اصلاح ننمودند و هیچ سؤالی به سؤالی اولیه اضافه نگردید.

جدول (۵) مربوط به سؤال‌های اصلاح شده و اضافه شده در دور سوم دلفی می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود هیچ سؤالی حذف و اصلاح نشده است. اما ۱۴ سؤال به سؤالی مربوط به عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه اضافه شد.

**جدول (۶) تغییرات شاخص‌های عواملی که باعث پیاده‌سازی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در دور چهارم دلفی**

هیچ شاخصی تغییر نکرد	مؤلفه‌ها یا شاخص‌های حذف شده
هیچ شاخصی تغییر نکرد	مؤلفه‌ها یا شاخص‌های اصلاح شده
هیچ شاخصی اضافه نشد	مؤلفه‌ها یا شاخص‌های اضافه شده

جدول (۷) تفسیر مقادیر گوناگون ضریب کندال مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه

مقدار ضریب کندال	۰/۱	۰/۳	۰/۵	۰/۷	۰/۹
تفسیر میزان اتفاق نظر	بسیار ضعیف	ضعیف	متوسط	قوی	بسیار قوی
اطمینان نسبت به ترتیب عوامل	وجود ندارد	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد

می‌توان به صورت کلی اجماع میان نظرات خبرگان را در خصوص همه مفاهیم مربوط به عوامل مؤثر بر مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه دید، ولیکن باتوجه به دستیابی به اجماع کلی در دور چهارم دلفی از ورود به دور بعد خودداری گردید.

آزمون رتبه‌های دلبیو کندال (ضریب توافق W) در جدول (۸) نیز آمده است. باتوجه به آن که مقدار آزمون کای دو که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار است، در نتیجه فرض صفر که تصادفی بودن (عدم تطابق) نتایج آرای در نظر گرفته شده، رد خواهد شد؛ بنابراین

جدول (۸) نتایج محاسبات ضریب توافق کندال برای دلفی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه

مراحل دلفی	تعداد سؤالات طرح شده	تعداد سؤالات بعد از بررسی خبرگان	پرسش‌نامه‌های ارائه شده	پرسش‌نامه‌های دریافت شده	ضریب توافق
دور دوم دلفی	۳۳	۴۷	۳۳	۳۱	۰/۴۳۱
دور سوم دلفی	۴۷	۶۲	۳۳	۲۱	۰/۵۳۳
دور چهارم دلفی	۶۲	۶۲	۳۳	۲۱	۰/۵۳۳

دوره‌های اول، دوم انجام و تا مرحله سوم فرآیند کار دلفی ادامه پیدا نمود.

باتوجه به عدم اجماع (اشباع تئوریک) فرآیند دلفی در مورد تکنیک‌های مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه، در

جدول (۹) میانگین و بار عاملی تکنیک‌های بین‌المللی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در دور دوم دلفی

ردیف	شاخص‌ها	میانگین	بار عاملی
۱	حذف عمده یا حساب‌شویی	۲/۶۹	۰/۴۲۰
۲	شرط‌بندی بزرگ (عظیم) برای آینده	۳/۵۱	۰/۷۵۷
۳	Cookie Jar Reserve	۳/۸۱	۰/۶۰۲
۴	تکنیک‌های روش استهلاک	۳/۵۷	۰/۵۴۶
۵	شستشو (حذف) سبد دارایی‌ها	۳/۶۰	۰/۷۸۶
۶	تکنیک سود عملیاتی در مقابل سود غیرعملیاتی	۲/۸۱	۰/۴۱۹
۷	فروش یا اجاره مجدد و معاوضه دارایی‌ها	۳/۵۷	۰/۷۲۰
۸	تکنیک کشیدن کشتی	۳/۴۸	۰/۸۱۰
۹	از بین بردن مسئله‌های کوچک	۳/۸۵	۰/۶۵۴
۱۰	استفاده از اوراق بهادار مشتقه	۳/۱۵	۰/۷۵۴

بار عاملی سؤال‌های باقی‌مانده بررسی شد و همه سؤال‌ات دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۷ بودند.

منطبق با جدول (۹) در دور اول دلفی ۱۰ سؤال اختیار خبرگان قرار گرفت و بعد از بازنگری خبرگان یکسری سؤال‌ها حذف و هیچ سؤال‌ی اصلاح و اضافه نگردید.

جدول (۱۰) تغییرات در تکنیک‌های بین‌المللی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در دور اول دلفی

حذف عمده یا حساب‌شویی - تکنیک سود عملیاتی در مقابل سود غیرعملیاتی	مؤلفه‌های حذف شده
هیچ مؤلفه‌ای اصلاح نشد	مؤلفه‌های اصلاح شده
هیچ مؤلفه‌ای اضافه نشد	مؤلفه‌های اضافه شده

جدول (۱۰) مربوط به سؤال‌های اصلاح‌شده و می‌شود هیچ سؤال‌ی اصلاح و اضافه نشد، اما تعداد ۲ سؤال اضافه‌شده در دور اول دلفی می‌باشد. همان‌طور که مشاهده منطبق با جدول (۱۰) حذف شد.

جدول (۱۱) میانگین و بار عاملی تکنیک‌های بین‌المللی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در دور سوم دلفی

ردیف	شاخص‌ها	میانگین	بار عاملی
۱	شرط‌بندی بزرگ (عظیم) برای آینده	۳/۵۱	۰/۸۲۲
۲	Cookie Jar Reserve	۳/۸۱	۰/۷۵۰
۳	تکنیک‌های روش استهلاک	۳/۵۷	۰/۷۲۸
۴	شستشو (حذف) سبد دارایی‌ها	۳/۶۰	۰/۷۹۷
۵	فروش یا اجاره مجدد و معاوضه دارایی‌ها	۳/۵۷	۰/۷۰۷
۶	تکنیک کشیدن کشتی	۳/۴۸	۰/۸۱۶
۷	ازبین بردن مسئله‌های کوچک	۳/۸۵	۰/۶۸۴
۸	استفاده از اوراق بهادار مشتقه	۳/۱۵	۰/۸۶۲

جدول (۱۲) تغییرات شاخص‌های مربوط به تکنیک‌های بین‌المللی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه در دور سوم دلفی

مؤلفه‌ها یا شاخص‌های حذف‌شده	هیچ شاخصی تغییر نکرد
مؤلفه‌ها یا شاخص‌های اصلاح‌شده	هیچ شاخصی تغییر نکرد
مؤلفه‌ها یا شاخص‌های اضافه‌شده	هیچ شاخصی اضافه نشد

جدول (۱۳) نتایج محاسبات ضریب توافق کندهای بین‌المللی مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه

مراحل دلفی	تعداد سؤالات طرح‌شده	تعداد سؤالات بعد از بررسی خبرگان	ضریب توافق کندهای
دور دوم دلفی	۱۰	۸	۰/۶۴۵
دور سوم دلفی	۸	۸	۰/۶۴۹

از نوع فرصت طلبانه را مشاهده نمود. لیکن باتوجه‌به دستیابی به اجماع کلی در دور سوم دلفی از ورود به دور بعد خودداری گردید.

باتوجه‌به عدم اجماع (اشباع تئوریک) فرآیند دلفی در مورد علت دست‌کاری ارقام تعهدی اختیاری، در دورهای اول، دوم تا مرحله سوم فرآیند کار دلفی ادامه پیدا نمود.

آزمون رتبه‌های دلبیو کندهای (ضریب توافق  $W$ ) در جدول (۱۳) نیز آمده است. باتوجه‌به آن که مقدار آزمون کای دو که در سطح خطای آن کوچک‌تر از  $0/05$  معنی‌دار است، در نتیجه فرض صفر که تصادفی بودن (عدم تطابق) نتایج آرای در نظر گرفته شده، رد خواهد شد؛ پس می‌توان به‌صورت کلی اجماع میان نظرات خبرگان را در خصوص همه مفاهیم مربوط به تکنیک‌های بین‌المللی مدیریت سود

جدول (۱۴) میانگین و بار عاملی سؤالات سنجش علت دست‌کاری ارقام تعهدی اختیاری در دور دوم دلفی

ردیف	شاخص‌ها	میانگین	بار عاملی
۱	تمایل به بیش‌نمایی (کم‌نمایی) سود	۴/۳۰	۰/۷۹۶
۲	تغییرپذیری حساب سال‌های قبل	۲/۶۶	۰/۵۱۷
۳	ابهام در رویه‌های حسابداری	۳/۶۱	۰/۸۲۰
۴	پایداری در ارزش‌گذاری بیش از واقع (کمتر از واقع) حقوق صاحبان سهام	۳/۸۱	۰/۸۰۸
۵	رسیدن به پایداری در رشد سود	۳/۹۱	۰/۶۲۴
۶	استفاده داوطلبانه از استاندارد جدید توسط مدیران واحدهای انتفاعی	۲/۹۶	۰/۵۳۸
۷	حسابداری ساختگی (آزادی عمل در انتخاب رویه‌ها و روش‌ها)	۳/۴۸	۰/۷۰۵
۸	رسیدن به اهداف خاص در حوزه مالی (ارائه مبالغ مختلفی از سود در زمان و مکان‌های مختلف)	۳/۸۷	۰/۷۲۱

۰/۵۵۸	۲/۴۸	نبود اطلاعات کافی درباره عملکرد واحد انتفاعی	۹
۰/۷۷۶	۳/۵۷	تمدید قرارداد کاری مدیران واحد انتفاعی	۱۰
۰/۷۷۸	۳/۳۰	انتظار شرکت جهت پذیرفته شدن در بورس اوراق بهادار	۱۱
۰/۷۷۵	۴/۰۰	معاملات ثبت شده اما تحقق نیافته (انجام فروش‌های عمده به صورت نسیه و متورمی شدن حساب‌های دریافتی)	۱۲
۰/۵۶۴	۲/۷۸	علاقه شخصی مدیران به این نوع از دست کاری به دلیل آسان بودن و کم‌ریسک بودن	۱۳
۰/۷۵۵	۳/۷۸	عدم وجود یک استاندارد مرتبط برای یک صنعت	۱۳
۰/۷۵۵	۳/۷۸	پایداری در رشد سود به جهت افزایش (حفظ) اعتماد سهامداران	۱۴
۰/۵۶۷	۲/۹۰	وجود خلأهای قانونی	۱۵
۰/۸۲۹	۴/۱۲	عدم توانایی شرکت در کاهش هزینه‌ها به دلیل تعهدات مکرر در سال‌های گذشته	۱۶
۰/۷۷۹	۴/۰۹	فروش‌های بسیار زیاد تعهدی در سال‌های گذشته و عدم توانایی در باز یافت درآمد در سال‌های آتی	۱۷
۰/۶۹۴	۴/۲۱	فریب سرمایه‌گذاران به جهت دست بردن به جیب آن‌ها	۱۸
۰/۷۶۳	۴/۰۹	هزینه‌های دادرسی	۱۹
۰/۸۵۸	۳/۳۶	ارائه گزارش‌های مالی غیرصادقانه و غیرواقعی‌بینانه (تحت تأثیر قرار گرفتن ارزش و کیفیت گزارش‌های مالی جهت پوشاندن عملکرد واقعی شرکت)	۲۰
۰/۷۳۸	۴/۱۸	عدم توجه به عواقب این نوع از دست کاری (منظور، گامی جهت پیاده‌سازی تقلب در سال‌های آینده)	۲۱
۰/۸۰۹	۴/۰۰	وجود مشتریان عمده و خاص	۲۲

اقدام تعهدی اختیاری به شرح جدول (۱۴) استخراج و جهت اعلام نظر در خصوص نحوه دسته‌بندی آن‌ها و شکل‌گیری مؤلفه‌های در اختیار اعضای پانل دلفی قرار گرفتند. منطبق با جدول (۱۴)، در دور دوم دلفی ۱۶ سؤال در اختیار خبرگان قرار گرفت و بعد از بازنگری خبرگان یکسری سؤال به سؤال‌های اولیه اضافه و حذف شد، بار عاملی همه سؤال‌ها بررسی و همه سؤال‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۷ بودند.

#### جدول (۱۵) تغییرات مؤلفه‌های مربوط به علت دست‌کاری اقدام تعهدی اختیاری در دور دوم دلفی

نبود اطلاعات کافی درباره عملکرد واحد انتفاعی	مؤلفه‌های حذف شده
تغییرپذیری حساب سال‌های قبل	
وجود خلأهای قانونی	
علاقه شخصی مدیران به این نوع از دست کاری به دلیل آسان بودن و کم‌ریسک بودن استفاده داوطلبانه از استاندارد جدید توسط مدیران واحدهای انتفاعی	
فروش‌های بسیار زیاد تعهدی در سال‌های گذشته و عدم توانایی در باز یافت درآمد در سال‌های آتی	
فریب سرمایه‌گذاران به جهت دست بردن به جیب آن‌ها	
هزینه‌های دادرسی	
ارائه گزارش‌های مالی غیرصادقانه و غیرواقعی‌بینانه (تحت تأثیر قرار گرفتن ارزش و کیفیت گزارش‌های مالی جهت پوشاندن عملکرد واقعی شرکت)	مؤلفه‌های اضافه شده
عدم توجه به عواقب این نوع از دست کاری (گامی جهت پیاده‌سازی تقلب در سال‌های آینده)	
وجود مشتریان عمده و خاص	

جدول (۱۵) مربوط به سؤال‌های اصلاح شده و نشده است اما تعداد ۵ سؤال حذف و ۶ سؤال به سؤال‌ها اضافه شده در دور اول دلفی می‌باشد. هیچ سؤالی اصلاح اضافه گردید.

#### جدول (۱۶) میانگین و بار عاملی سؤالات سنجش علت دست‌کاری اقدام تعهدی اختیاری در دور سوم دلفی

بار عاملی	میانگین	شاخص‌ها	ردیف
۰/۷۷۲	۴/۳۰	تمایل به بیش‌نمایی (کم‌نمایی) سود	۱
۰/۸۳۹	۳/۶۱	ابهام در رویه‌های حسابداری	۲

۰/۸۲۰	۳/۸۱	پایداری در ارزش گذاری بیش از واقع (کمتر از واقع) حقوق صاحبان سهام	۳
۰/۸۴۴	۳/۹۱	استفاده داوطلبانه از استاندارد جدید توسط مدیران واحدهای انتفاعی	۴
۰/۶۱۶	۳/۴۸	حسابداری ساختگی (آزادی عمل در انتخاب رویه‌ها و روش‌ها)	۵
۰/۷۴۱	۳/۸۷	رسیدن به اهداف خاص در حوزه مالی (ارائه مبالغ مختلفی از سود در زمان و مکان‌های مختلف)	۶
۰/۷۴۱	۳/۵۷	تمدید قرارداد کاری مدیران واحد انتفاعی	۷
۰/۶۱۹	۳/۳۰	انتظار شرکت جهت پذیرفته شدن در بورس اوراق بهادار	۸
۰/۷۱۲	۴/۰۰	معاملات ثبت شده اما تحقق نیافته (انجام فروش‌های عمده به صورت نسیه و متورمی شدن حساب‌های دریافتی)	۹
۰/۷۹۹	۳/۷۸	عدم وجود یک استاندارد مرتبط برای یک صنعت	۱۰
۰/۷۴۴	۳/۷۸	پایداری در سود به جهت افزایش (حفظ) اعتماد سهامداران	۱۱
۰/۸۴۴	۴/۲۱	عدم توانایی شرکت در کاهش هزینه‌ها به دلیل تعهدات مکرر در سال‌های گذشته	۱۲
۰/۸۴۸	۴/۰۹	فروش‌های بسیار زیاد تعهدی در سال‌های گذشته و عدم توانایی در باز یافت درآمد در سال‌های آتی	۱۳
۰/۶۴۱	۴/۲۱	فرب سرمایه‌گذاران به جهت دست بردن به جیب آن‌ها	۱۴
۰/۷۷۲	۴/۰۹	هزینه‌های دادرسی	۱۵
۰/۸۳۴	۳/۳۶	ارائه گزارش‌های مالی غیرصادقانه و غیرواقع‌بینانه (تحت تأثیر قرار گرفتن ارزش و کیفیت گزارش‌های مالی جهت پوشاندن عملکرد واقعی شرکت)	۱۶
۰/۷۵۲	۴/۱۸	عدم توجه به عواقب این نوع از دست کاری (گامی جهت پیاده‌سازی تقلب در سال‌های آینده)	۱۷
۰/۷۵۶	۴/۰۰	وجود مشتریان عمده و خاص	۱۸
۰/۷۱۴	۴/۲۷	رواج این نوع دست کاری در شرکت‌های کوچک و متوسط نسبت به سایر شرکت	۱۹
۰/۸۰۵	۴/۱۵	بهترین راهکار جهت رسیدن به سود حسابداری دلخواه در دوره‌های خاص	۲۰
۰/۸۹۳	۴/۱۸	عدم تصدی مدیران در زمان فرارسیدن تعهدات شرکت	۲۱

**جدول (۱۷) تغییرات مؤلفه‌های مربوط به علت دست کاری اقلام تعهدی اختیاری در دور سوم دلفی**

هیچ مؤلفه‌ای حذف نشد	مؤلفه‌های حذف شده
هیچ مؤلفه‌ای اضافه نشد	مؤلفه‌های اصلاح شده
رواج این نوع دست کاری در شرکت‌های کوچک و متوسط نسبت به سایر شرکت بهترین راهکار جهت رسیدن به سود حسابداری دلخواه در دوره‌های خاص عدم تصدی مدیران در زمان فرارسیدن تعهدات شرکت تمایل به بیش‌نمایی (کم‌نمایی) سود	مؤلفه‌های اضافه شده

اما ۴ سؤال به سؤالات مربوط به اقلام تعهدی اختیاری اضافه شد.

نتایج دور سوم دلفی نشان داد خبرگان هیچ سؤالی را حذف و اصلاح نکردند و هیچ سؤالی به سؤالات اولیه اضافه نشد.

جدول (۱۷) مربوط به سؤالات اصلاح شده و اضافه شده در دور دوم دلفی می‌باشد. همانطور که مشاهده می‌شود در دور اول بعد از بازنگری، ۱۸ سؤال باقی ماند که در اختیار خبرگان قرار گرفت، بعد از بررسی سؤالات توسط خبرگان در مرحله دوم، هیچ سؤالی حذف و اصلاح نشده

**جدول (۱۸) تغییرات شاخص‌های مربوط به علت دست کاری اقلام تعهدی اختیاری در دور چهارم دلفی**

هیچ شاخصی تغییر نکرد	مؤلفه‌ها یا شاخص‌های حذف شده
هیچ شاخصی تغییر نکرد	مؤلفه‌ها یا شاخص‌های اصلاح شده
هیچ شاخصی اضافه نشد	مؤلفه‌ها یا شاخص‌های اضافه شده

جدول (۱۹) نتایج محاسبات ضریب توافق کندال برای علت دست‌کاری اقلام تعهدی اختیاری

مراحل دلفی	تعداد سؤالات طرح‌شده	تعداد سؤالات بعد از بررسی خبرگان	ضریب توافق کندال
دور دوم دلفی	۱۶	۲۲	۰/۴۷۵
دور سوم دلفی	۲۲	۲۶	۰/۵۸۲
دور چهارم دلفی	۲۶	۲۶	۰/۵۸۲

اختیاری دید، ولیکن باتوجه‌به دستیابی به اجماع کلی در دور سوم دلفی از ورود به دور بعد خودداری گردید. باتوجه‌به عدم اجماع (اشباع تئوریک) فرآیند دلفی در مورد انگیزه‌های مدیریت سود از نوع فرصت‌طلبانه، در دوره‌های اول، دوم تا مرحله سوم فرآیند کار دلفی ادامه پیدا نمود.

آزمون رتبه‌های دلبیو کندال (ضریب توافق ۱۷) در جدول (۱۹) نیز آمده است. باتوجه‌به آن که مقدار آزمون کای دو که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار است، در نتیجه فرض صفر که تصادفی بودن (عدم تطابق) نتایج آرای در نظر گرفته شده، رد خواهد شد، پس می‌توان به‌صورت کلی اجماع میان نظرات خبرگان را در خصوص همه مفاهیم مربوط به علت دست‌کاری اقلام تعهدی

جدول (۲۰) میانگین و بار عاملی سؤالات سنجش انگیزه‌های مدیریت سود از نوع فرصت‌طلبانه در دور دوم دلفی

ردیف	شاخص‌ها	میانگین	بار عاملی
۱	بازار سهام (بازار بورس)	۲/۴۵	۰/۶۶۹
۲	علامت‌دهی یا پنهان‌سازی اطلاعات محرمانه	۳/۷۵	۰/۷۹۶
۳	هزینه سیاسی	۳/۵۱	۰/۷۸۱
۴	مسائل داخلی شرکت (تغییر مدیر اجرایی)	۳/۸۴	۰/۸۷۹
۵	مالیات پرداختی	۴/۰۹	۰/۷۷۴
۶	پاداش (حقوق و مزایا برای جبران خدمات مدیران)	۴/۰۳	۰/۷۵۶
۷	قرارداد وام‌دهی	۳/۷۸	۰/۷۷۷
۸	سایر انگیزه‌های مربوط به قراردادهای	۳/۲۷	۰/۷۲۱
۹	سهامداری مدیران	۳/۶۳	۰/۷۵۷
۱۰	خرید سهام دیگران توسط مدیران شرکت (تمرکز بر سهامداران اقلیت)	۳/۷۸	۰/۷۴۷
۱۱	ضعف در کمیته حساب‌خواهی و حسابرسی مناسب	۲/۷۲	۰/۴۷۵

عاملی سؤالات‌های باقی‌مانده بررسی شد و همه سؤالات‌های باقی‌مانده دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۷ داشتند.

بر اساس مرور مبنای نظری موجود، ۷ سؤال مطرح و در اختیار خبرگان قرار گرفت که بعد از بازنگری خبرگان در دور اول دلفی یکسری سؤال‌ها اضافه و حذف شد. بار

جدول (۲۱) تغییرات مؤلفه‌های مربوط به انگیزه‌های مدیریت سود از نوع فرصت‌طلبانه در دور دوم دلفی

مؤلفه‌های حذف‌شده	ضعف در کمیته حساب‌خواهی و حسابرسی مناسب - بازار سهام (بازار بورس)
مؤلفه‌های اصلاح‌شده	هیچ مؤلفه‌ای اصلاح نشد
مؤلفه‌های اضافه‌شده	سایر انگیزه‌های مربوط به قراردادهای - سهامداری مدیران - خرید سهام دیگران توسط مدیران شرکت

می‌شود، هیچ سؤالی اصلاح نشد، اما ۲ سؤال حذف و ۳ سؤال اضافه گردید.

جدول (۲۱) مربوط به سؤالات‌های اصلاح‌شده و اضافه‌شده در دور اول دلفی می‌باشد. همان‌طور که مشاهده

جدول (۲۲) میانگین و بار عاملی سؤالات سنجش انگیزه‌های مدیریت سود از نوع فرصت‌طلبانه در دور سوم دلفی

ردیف	شاخص‌ها	میانگین	بار عاملی
------	---------	---------	-----------



۰/۷۹۶	۳/۷۵	علامت‌دهی یا پنهان‌سازی اطلاعات محرمانه	۱
۰/۷۷۷	۳/۵۱	هزینه سیاسی	۲
۰/۹۲۲	۳/۸۴	مسائل داخلی شرکت (تغییر مدیر اجرایی)	۳
۰/۸۱۳	۴/۰۹	مالیات پرداختنی	۴
۰/۷۸۶	۴/۰۳	پاداش (حقوق و مزایا برای جبران خدمات مدیران)	۵
۰/۶۹۶	۳/۷۸	قرارداد وام‌دهی	۶
۰/۷۲۷	۳/۲۷	سایر انگیزه‌های مربوط به قراردادهای	۷
۰/۷۷۰	۳/۶۳	سهامداری مدیران	۸
۰/۷۱۹	۳/۷۸	خرید سهام دیگران توسط مدیران شرکت	۹

**جدول (۲۳) تغییرات شاخص‌های مربوط به مدیریت سود از نوع فرصت‌طلبانه در دور سوم دلفی**

هیچ شاخصی تغییر نکرد	مؤلفه‌ها یا شاخص‌های حذف‌شده
هیچ شاخصی تغییر نکرد	مؤلفه‌ها یا شاخص‌های اصلاح‌شده
هیچ شاخصی اضافه نشد	مؤلفه‌ها یا شاخص‌های اضافه‌شده

بار عاملی همه سؤال‌ها بررسی و همه سؤال‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۷ هستند.

منطبق با جدول (۲۳) در دور دوم دلفی ۹ سؤال در اختیار خبرگان قرار گرفت و بعد از بازنگری خبرگان هیچ سؤالی حذف، اصلاح نشد و سؤالی به سؤال‌ها اضافه نشد.

**جدول (۲۴) نتایج محاسبات ضریب توافق کندال برای دلفی انگیزه‌های مدیریت سود از نوع فرصت‌طلبانه**

مراحل دلفی	تعداد سؤالات طرح‌شده	تعداد سؤالات بعد از بررسی خبرگان	ضریب توافق کندال
دور اول دلفی	۸	۹	۰/۶۰۵
دور دوم دلفی	۹	۹	۰/۶۳۸

مدیران غیرمالکیتی قرار می‌گیرد. چنین واگذاری‌هایی دارای مزایا و معایبی هستند. از مزایای این اعمال می‌توان به برون‌سپاری یک وظیفه کاملاً تخصصی به افراد دارای سابقه اجرایی و از همه مهم‌تر دارای دانش دانشگاهی در این حوزه است. برون‌سپاری یک وظیفه کاملاً تخصصی به فردی مانند مدیر نه تنها ضعف در اداره واحد تجاری برای مالکان (سهامداران) به شمار نمی‌آید، بلکه تصمیمی بسیار هوشمندانه از نگاه افراد متخصص در این زمینه می‌باشد. زیرا، مدیر با توجه به دانش و تجربه‌ای که در این حوزه دارد می‌تواند بهترین تصمیمات را در هر شرایطی (تورمی، رکودی، تحریمی و ...) اتخاذ نماید. به بیان ساده‌تر، مدیر با توجه به وضعیت واحد تجاری، شرایط اقتصادی و شناختی که از تمامی ارکان واحد تجاری دارد (به طور مثال، سهامداران یا مالکان ریسک‌گریز یا ریسک‌پذیر) مانند یک پزشک با تجویز رویه و روش هوشمندانه می‌تواند بهترین عملکرد را برای واحد تجاری رقم بزند. در واقع باید بیان داشت که حضور یک مدیر اخلاق‌مدار، نه

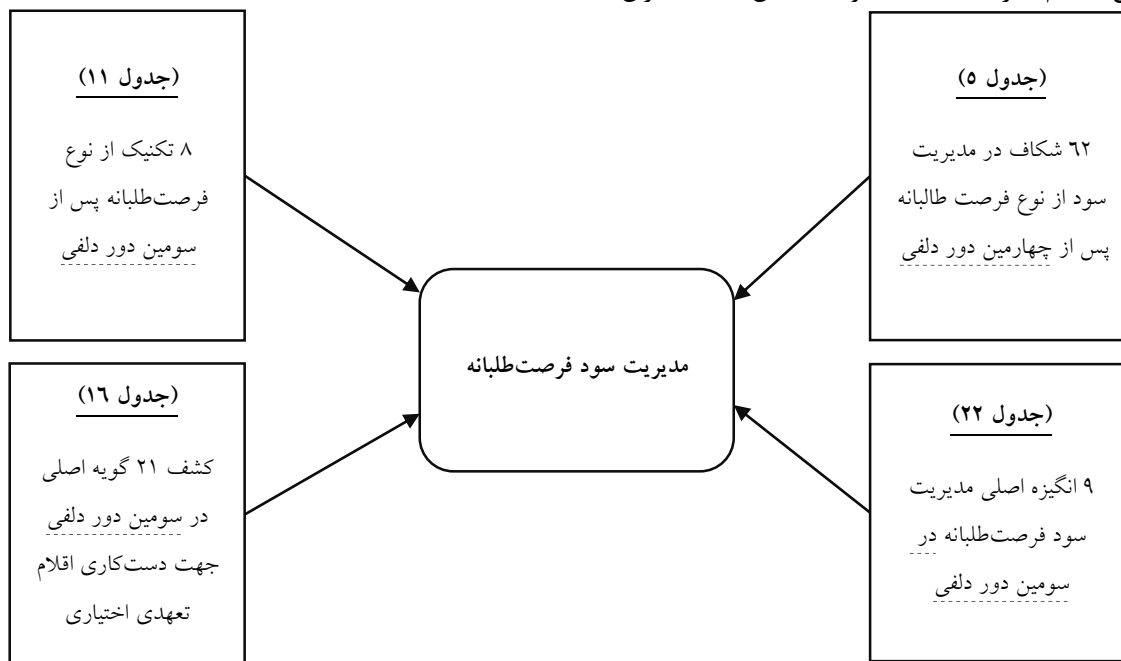
آزمون رتبه‌های دبلیو کندال (ضریب توافق ۱۷) در جدول (۲۴) نیز آمده است. باتوجه به آن که مقدار آزمون کای دو که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۵ معنی‌دار است؛ بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان بیان داشت که تفاوت میانگین رتبه‌ها معنی‌دار می‌باشد. پس می‌توان به‌صورت کلی اجماع میان نظرات خبرگان را در خصوص همه مفاهیم دید، ولیکن باتوجه به دستیابی به اجماع کلی در دور سوم دلفی از ورود به دور بعد خودداری گردید.

**۵- بحث و نتیجه‌گیری**

در پژوهش حاضر موضوع اصلی استفاده از رویکرد تحلیل عاملی جهت ارائه مدلی برای مدیریت سود فرصت‌طلبانه باتوجه به عوامل، انگیزه‌ها و تکنیک‌ها است. همان‌گونه که بیان گردید، تئوری‌های اثباتی حسابداری به طور مفصل به پدیدهٔ رخدادهای مدیریت سود توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در دنیای مدرنیته شرکت‌های بزرگ که عموماً سهامی هستند به دلیل فقدان (سطح کمی) سواد مالی سهامداران اصلی (مالکان) اداره واحد سهامی بر عهده

غیرمالکیتی در شرکت‌ها استخدام می‌شوند، پس از به پایان آمدن دورهٔ استخدام آن‌ها مالکان (سهامداران) اقدام به جایگزین آن‌ها می‌نمایند. مدیران فعلی می‌دانند که هر عملی انجام دهند، در دورهٔ آینده اثرات خود را نشان خواهد داد. به همین دلیل اولین و مناسب‌ترین گزینه دست‌کاری نمودن ارقام تعهدی اختیاری است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل چنین دست‌کاری‌هایی رضایت‌مندی مالکان (سهامداران) و بهبود در عملکرد شرکت باشد. اما، چنین دست‌کاری‌هایی در سال‌های آینده باتوجه‌به این که نسنجیده انجام گرفته است، باعث اصلی وارونه‌شدن ارقام تعهدی اختیاری خواهد گردید. به همین جهت است که در سال‌های پسین، دست‌کاری ارقام تعهدی اختیاری مدیران با یک شرایط غیرعادی رو به شده و در نتیجه وارد مسیر وارونه‌سازی ارقام تعهدی اختیاری می‌شوند. در این مسیر مدیران به غیرواقعی و غیرصادقانه بودن اعداد و ارقام روی می‌آورند. در واقع، می‌توان وارونه‌سازی ارقام تعهدی اختیاری را مسیر آغازین تقلب‌سازی به شمار آورد. به عبارت دیگر، وارونگی ارقام تعهدی اختیاری مصداق بارز تقلب است. زیرا، باعث گمراهی بسیار زیاد و عدم اطمینان خواهد شد. خلاصه نتایج حاصل از مصاحبه‌های میدانی توسط پژوهشگر در شکل (۱) نشان داده شده است.

فرصت طلب، جهت رسیدن به عملکردی مناسب برای واحد تجاری ضروری است. از سویی دیگر، از معایب بسیار گستردهٔ این واگذاری، سوءاستفاده مدیران بی‌اخلاق جهت رسیدن به منافع شخصی یا گروهی خاص به دلیل عدم دانش مالی مالکان (سهامداران) است. چنین بی‌اخلاقی‌هایی از طرف مدیران می‌تواند نتایج بسیار زیان‌باری را به جامعه وارد نماید. در واقع، برخی مدیران غیر اخلاق مدار که در پژوهش حاضر آنها را مدیران فرصت طلب نامیده ایم، با اتخاذ تصمیمات کاملاً نابخردانه که برای آنها منفعت یک طرفانه دارد، نه جمعی، باعث ایجاد نگاه تردید آمیز از سوی مالکان (سهامداران) به این موضوع شده است که آیا اختیار اداره واحد تجاری به مدیر واگذار نمایند یا خیر. چنین وضعیت‌هایی در آینده می‌تواند خسارات بی شماری بر اقتصاد کشور ها وارد نماید. زیرا، مالک (سهامدار) فاقد دانش شناختی آکادمیک و حرفه ای در زمینه های مالی و اقتصادی است. به همین جهت تجویز یک روش و رویه اشتباه در دوره زمانی خاص یا حساس می‌تواند بر اقتصاد کشور ها ضربه سنگینی در آینده وارد نماید و باعث تحمیل آثار منفی حتی بر عموم جامعه گردد. به همین دلیل، پژوهش حاضر به جهت متوجه‌شدن به علت چنین بی‌اخلاقی‌هایی با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی انجام گرفته است. باتوجه‌به این که مدیران



شکل (۱) خلاصه نتایج حاصل از مصاحبه‌های میدانی توسط پژوهشگر

## ۶- منابع

حسینی، محمد؛ مرادی، ساناز. (۱۳۹۹). نقش میانجی اطلاعات نامتقارن در بازار رقابت ناقص بر رابطه بین تورش پیش‌بینی سود و ریسک ویژه ناشی از مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای. *پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری*، (۱)، ۱۰۰-۸۱.

خانمحمدی فرد، جعفر؛ رضایی، فرزین؛ احمدی موسی آبادی، ایوب. (۱۴۰۱). آزمون تجربی تطبیق‌دهی تصمیمات عقلایی مدیران و سهامداران مبتنی بر درجات ابهام زیاد در اطلاعات حسابداری. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، (۴۱)، ۳۷۲-۳۵۷.

سعادت‌ی، احسان؛ یزدانی، شهره؛ خانمحمدی، محمد حامد؛ داود، گرجی‌زاده. (۱۴۰۲). آینده‌پژوهی نقش عوامل تعیین‌کننده تقلب مدیران از طریق به‌کارگیری مدل لوزی تقلب. *پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری*، (۲)، ۱۱۴-۸۵.

صباغیان طوسی، امید؛ مرادی، زهرا؛ یزدانی، شهره. (۱۴۰۱). انتخاب الگوی بهینه تأثیر متغیرهای تأمین مالی خارجی بر اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری بالا و پایین. *پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری*، (۷)، ۷۲-۴۷.

Abu Afifa, M., Saleh, I., Al-shoura, A., & Vo Van, H. (2022). Nexus among board characteristics, earnings management and dividend payout: evidence from an emerging market. *International Journal of Emerging Markets*.

Alshehadeh, A. R., & Al-Khawaja, H. (2022). Financial Technology as a Basis for Financial Inclusion and its Impact on Profitability: Evidence from Commercial Banks. *International Journal of Advances in Soft Computing and Its Applications*, 14(2), 126-138.

Alshehadeh, A., Alia, M., Jaradat, Y., Injadat, E., & Al-khawaja, H. (2023). Big data analytics techniques and their impacts on reducing information asymmetry: Evidence from Jordan. *International Journal of Data and Network Science*, 7(3), 1259-1266.

Baber, W. R., Kang, S. H., & Li, Y. (2011). Modeling Discretionary Accrual Reversal and the Balance Sheet as an

در یک نتیجه‌گیری کلی، اگر مالکان حتی قادر به اداره واحدهای تجاری سهامی خود نباشند، می‌توانند از طریق به‌روزرسانی مداوم دانش مالی خود و همچنین استفاده مکرر از حسابرسی مستقل (خارجی) تا حد بسیار زیادی چنین بی‌اخلاقی‌هایی که مدیران غیرمالکی آن‌ها را انجام می‌دهند کاهش داد. نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر، بر اساس مصاحبه‌های میدانی و شرایط اقتصادی کشور ایران استخراج شده است. در آخر چنانچه اگر پژوهشگران تمایل به پژوهش در حوزه مدیریت سود (بالاخص از نوع فرصت طلبانه) را داشته باشند، موارد پیشنهادی زیر می‌تواند به روشن تر شدن این موضوع با توجه به شرایط اقتصادی کشور کمک شایان نماید.

۱- با توجه به ارائه مدل‌های گوناگون در زمینه اندازه‌گیری مدیریت سود که توسط پژوهشگران برون مرزی در سال‌های اخیر بیان گردیده است، پیشنهاد می‌گردد ابتدا با استخراج تمامی این مدل‌ها و سپس با مصاحبه‌های میدانی از افراد متخصص در حوزه دانشگاهی و اجراء مشخص گردد که به کارگیری کدام مدل با توجه به شرایط اقتصادی کشور دارای آثار مثبت و منفی بر شرایط اقتصادی می‌باشد.

۲- طبقه‌بندی عوامل مدیریت سود از طریق مصاحبه با افراد متخصص شاغل در حوزه دانشگاهی و اجرائی بر سه گروه اصلی یعنی سیاه (خطرناک): دارای منفعت یک طرفانه، خاکستری (خنثی): فاقد منفعت برای طرفین) و سفید (به نفع همه گروه‌ها، یعنی مالک، مدیر و در نهایت عموم جامعه) و در نهایت ارائه الگویی کمی از آن.

۳- شناسایی و تحلیل عوامل مدیریت سود از منظر حوزه‌هایی هم چون عقیدتی، فرهنگی، مناسبات سیاسی و بُعد اقتصادی به روش ترکیبی یعنی، مطالعات کتابخانه و مصاحبه با افراد متخصص شاغل در حوزه دانشگاهی و اجراء.

۴- پژوهش در هر سه موضوع پیشنهادی فوق بر اساس تفکیک حوزه فعالیت مانند: صنعت بانکداری، صنعت بیمه، شرکت‌های تولیدی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ...

- Goel, S. (2014). *The quality of reported numbers by the management: A case testing of earnings management of corporate India*. *Journal of Financial Crime*, 21(3), 355–376.
- Hadiati Fitri, E., Andhyka Tyaz, N., Andi, Yakub., & Bambang Priyo, C. (2019). *The application of agency theory in supply chain finance: a case of Indonesian manufacturing firms*. *International Journal of Supply Chain Management (IJSCM)*, 8(3), 23-32.
- Hassani, M., & Moradi, S. (2020). *The Mediator role of Information Asymmetry in Imperfect Competition Market on the relation between Earnings Forecast Bias & Idiosyncratic Risk derived from Capital Assets Pricing Model*. *Advances in Finance and Investment*, 1(1), 81-100. [In Persian]
- Hu, N., Huang, R., Li, X., & Liu, L. (2017). *The impact of CEOs' accounting backgrounds on earnings management and conservatism*. *Journal of Centrum Cathedra*, 10(1), 4–24.
- Ismael, H. R., & Roberts, C. (2018). *Factors affecting the voluntary use of internal audit: evidence from the UK*. *Managerial Auditing Journal*, 33(3), 288–317.
- Jayasekara, S. G. S. D., Perera, W., & Ajward, R. (2022). *White-collar money laundering through opportunistic earnings management: fair value accounting practices of failed finance companies in Sri Lanka*. *Journal of Financial Crime*, 30(5), 1389-1417.
- Kapoor, N., & Goel, S. (2019). *Do diligent independent directors restrain earnings management practices? Indian lessons for the global world*. *Asian Journal of Accounting Research*, 4(1), 52–69.
- Khan Mohammadi Fard, J., Rezaei, F., & Ahmadi Moosa Abadi, A. (2022). *Empirical compliance test of stockholders' and managers' logical decision making on the basis of Accounting information ambiguity High rates*. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 11(41), 357-372. [In Persian]
- Earnings Management Constraint*. *The Accounting Review*, 86(4), 1189–1212.
- Balasubramanyan, L., Zaman, S., & Thomson, J. B. (2013). *Are Banks Forward-Looking in Their Loan Loss Provisioning? Evidence from the Senior Loan Officer Opinion Survey (SLOOS)*. *FRB of Cleveland Working Paper*.
- Beal Partyka, R. (2021). *Supply chain management: an integrative review from the agency theory perspective*. *Revista de Gestão*, 29(2).
- Bouaziz, S. S., Fakhfakh, I. B. A., & Jarboui, A. (2020). *Shareholder activism, earnings management and Market performance consequences: French case*. *International Journal of Law and Management*, 62(5), 395–415.
- Cimini, R. (2014). *How has the financial crisis affected earnings management? A European study*. *Applied Economics*, 47(3), 302–317.
- Damanik, G. M., Irawan, D. P., Purba, M. N., & Pratama, M. I. (2023). *The Influence of Information Asymmetry and Managerial Ownership on the Value of the Company (A Case Study on Manufacturing Companies Listed on the Indonesia Stock Exchange from 2019-2021)*. *Journal of Research in Business, Economics, and Education*, 5(3), 99–107.
- Dissanayake, S., Ajward, R., & Dissanayake, D. (2023). *Whether corporate social responsibility is used to suppress earnings management practices and could corporate governance mechanisms prevent them? An empirical study*. *Asian Journal of Accounting Research*, 8(4), 373-386.
- Fahlevi, M., Vional, V., & Pramesti, R. M. (2022). *Blockchain technology in corporate governance and future potential solution for agency problems in Indonesia*. *International Journal of Data and Network Science*, 6(3), 721–726.
- Garfatta, R., Hamza, M., & Zorgati, I. (2023). *COVID-19 outbreak and earnings management practice: case of Tunisia*. *Asian Journal of Accounting Research*, 8(3), 307-318.

effect of family ownership. *Journal of Family Business Management*, 13(4), 1392-1409.

Rudiawarni, F. A., & Budianto, I. S. (2022). *Opportunistic Behavior and Financial Distress: The Case of Earnings Management. Modeling Economic Growth in Contemporary Indonesia*, 171-185.

Saadati, E., Yazdani, S., Khanmohammadi, M., & Gorjizadeh, D. (2023). *Future studies the role of factors determining of managers' fraud through the use of the fraud diamond model. Advances in Finance and Investment*, 4(2), 85-114. [In Persian]

Sabaghiyan Toosi, O., Moradi, Z., & Yazdani, S. (2022). *Selecting the optimal model for impact of external financing variables on voluntary discretionary accruals in companies with high and low investment opportunities. Advances in Finance and Investment*, 3(7), 47-72. [In Persian]

Subhia, B. F. (2016), *Inconsistency of accounting information - reasons and suggested remedies. Maghalallah Al-Uloom al-Ekhtosiya and Al-Aidariya*, 22(87), 481-481.

Suleiman, H., & Yahaya, O. A. (2023). *Auditors' Characteristics and Accounting Information Asymmetry. Asian Journal of Management Studies*, 3(3), 42-56.

Kousenidis, D. V., Ladas, A. C., & Negakis, C. I. (2013). *The effects of the European debt crisis on earnings quality. International Review of Financial Analysis*, 30, 351-362.

Leuz, C., Nanda, D., & Wysocki, P. D. (2003). *Earnings management and investor protection: an international comparison. Journal of Financial Economics*, 69(3), 505-527.

Lisboa, I., & Kacharava, A. (2018). *Does Financial Crisis impact Earnings Management: Evidence from Portuguese and UK. European Journal of Applied Business and Management*.

Liu, H., & Lee, H.-A. (2019). *The effect of corporate social responsibility on earnings management and tax avoidance in Chinese listed companies. International Journal of Accounting & Information Management*, 27(4), 632-652.

Marquardt, C. A., & Wiedman, C. I. (2004). *How Are Earnings Managed? An Examination of Specific Accruals. Contemporary Accounting Research*, 21(2), 461-491.

Mathuva, D., & Nyangu, M. (2021). *Does banking regulatory regime affect the quality of bank earnings in the East African region? Journal of Accounting in Emerging Economies*, 12(3), 433-467.

Oussii, A. A., & Klibi, M. F. (2023). *Do CEO duality and expertise affect earnings management behavior? The moderating*

## **Presenting a model for opportunistic earnings management: factors, motivations and techniques**

<sup>1</sup>Ehsan Saadati

<sup>2</sup>Shohreh Yazdani \*

<sup>3</sup>Mohammad Hamed Khanmohammadi

<sup>4</sup>Davoud Gorjizadeh

### **Abstract**

*The present work seeks to model opportunistic earnings management: factors, motivations and techniques. The present work is a hybrid (qualitative-quantitative) study employing the Delphi method. The authors primarily sought to describe, understand, and delve into a specific behavioral pattern. As a result, the initial phase of the study focused on collecting textual data through interviews, observation, and reference to secondary documents, which were subsequently converted into numerical values to investigate the factor load of each component. Given the exploration of new components in the present thematic context, no hypothesis was examined. After the fourth round of Delphi, 62 factors among non-proprietary managers and owners were discovered to have led to opportunistic earnings management. On the other hand, utilization of such factors would require essential tools and techniques, of which eight techniques were confirmed through three Delphi rounds. Moreover, the third round of Delphi indicated 21 items concerning the tendency to optional detailed item manipulation. Further, nine primary motivations leading to opportunistic earnings management were agreed upon during the third round of Delphi. The imperativeness of the present work lies in the high frequency of opportunistic earnings management in Iran. Previous research has been concentrated on earnings management models, whereas the present work focuses on consensus among a statistical population of financial experts. Moreover, we replaced mathematical formulas and figures in audited financial statements with the opinions of experts in the executive field to explore the causes of this phenomenon and reversal of optional accruals more deeply.*

**Keywords:** *agency theory, information asymmetry, opportunistic earnings management, optional accruals, positive theories.*

---

<sup>1</sup> Ph.D student in accounting, Damavand branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. hsan.Saadati.1990@yahoo.com

<sup>2</sup> Assistant Professor of Accounting Department, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (corresponding author).yazdani\_82@damavandiau.ac.ir

<sup>3</sup> Associate Professor of Accounting Department, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Dr.khanmohammadi@yahoo.com

<sup>4</sup> Assistant Professor of Accounting Department, Firoozkooh Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. davoud.gorjizadeh@gmail.com